

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: اجتهاد و تقلید - ادامه آیات دال بر حق حکومت الهی پیامبر- خطاب الهی به حضرت داوود

جلسه پنجاه و پنجم 99/11/12

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين
الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله واللعن
الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

آیا «عبيدالله بن علی» واقعاً فرزند حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، که با ایشان مخالفت کرد و به دست «مختار ثقفی» کشته شد؟

پاسخ:

در تاریخ آمده که «عبيدالله بن علی» مزارش در «عراق» است، امامزاده «عبيدالله بن علی» بین شهر «حُزیر» و «قلعه صالح» از توابع استان «ميسان» کشور «عراق» هست.

اینکه تا چه اندازه صحت دارد ما نمی‌دانیم، بعضی می‌گویند در صحرای «کربلا» کشته شده، بعضی معتقدند او را با برادرش «عبدالله» اشتباه گرفته‌اند، بعضی او را در سپاه مصعب و بعضی در سپاه مختار ذکر کرده‌اند، به هر حال نقل‌های متعدد وجود دارد و قطعی نیست.

پرسش:

چرا «عبيدالله» رفتار خوبی هنگام وفات و پس از شهادت پدر و برادر نشان نداده؟

پاسخ:

عبارتی مرحوم «قطب الدین راوندی» در کتاب «الخرائج والجرايح» دارند اما مسئله روشن نیست .

پرسش:

«مسیحیان» برای قضیه «تثلیث» به تخم مرغ و پوست نازک و مغز آن مثال می‌زنند سه تا یکی هستند «پدر، پسر، روح القدس»، آیا همین‌طور است؟

پاسخ:

باید این را از خودشان سوال کرد که الان عمده «مسیحی»ها به خاطر همین تناقض‌ها و مطالب ضد عقل دارند از «مسیحیت» دست بر می‌دارند؛ چون آیینی که الان «مسیحی»ها دارند تبلیغ می‌کنند به هیچ وجه با عقل و منطق نمی‌سازد.

لذا دسته دسته «مسیحی»ها به اسلام پناهنده می‌شوند ولی متأسفانه تبلیغات ما شیعه‌ها در «غرب» خیلی ضعیف است، اینها معمولاً می‌روند اسلام «وهابی» را انتخاب می‌کنند به خاطر تبلیغات گسترده‌ای که «وهابی»ها به ویژه در «اروپا» و «آمریکا» دارند.

مثلاً در شهر «لس آنجلس»، ما سال 90 که آنجا بودیم، شیعه‌ها دو یا سه مرکز اسلامی داشتند، اما می‌گفتند «وهابی»ها بالای 60 تا مرکز اسلامی دارند، اینکه سعی دارند مسلمان‌ها را «مسیحی» کنند، ترفندهایی می‌زنند و تبلیغاتی می‌کنند، که دین «مسیحیت» دین رأفت و رحمت است... در آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

«مسیحی» شدن‌ها موقت است، اینها مقداری که جلو بروند و این آیین «مسیحیت» را از نزدیک ببینند کاملاً متوجه می‌شوند، که قضیه از چه قرار است.

این‌ها این‌طور نیست، اولاً موقت است، کوچک‌ترین صحبتی یک آدم با سواد انجام دهند بر می‌گردند. غالباً اینهایی که فریب تبلیغات تبشیری «مسیحیت» را می‌خورند افراد بی‌سواد هستند، افراد فاضل و یک استاد دانشگاه و یک شخصیت علمی جذب اینها نمی‌شود، یقین داشته باشید.

پرسش:

جواب آن تمثیل به تخم مرغ را چگونه بدهیم؟

پاسخ:

آنها «ابن و اب و روح القدس» را می‌گویند هر سه یک چیز است در یک قالب است؛ ولی در قضیه تخم مرغ کاملاً تفکیک شدنی هستند، پوسته تخم مرغ جدا است و داخل تخم مرغ جدا، همه اینها سه تا چیز مستقل هستند و از هم قابل تفکیک ، ولی آنها(ابن و...) نه، می‌گویند در حقیقت یک چیز است.

یعنی «ابن، اب و روح القدس» یک چیز هستند اگرچه تصور می‌کنیم که سه چیز هستند؛ ولی در تخم مرغ نه تصور نیست واقعیت است.

آغاز بحث...

بحث ما در رابطه وظایف پیامبر در حکومتشان بود ، یکی از اینها برقراری عدل و امنیت است که البته ما هر چه که برای نبی مکرم تصور و بحث می‌کنیم:

«کل ما فَوْض الی رسول الله فقد فَوْض الی علي و ما فَوْض الی علي فقد فَوْض الینا».

بعد آیه 25 سوره حدید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافع برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!

سوره حدید (57): آیه 25

را خواندیم و روایاتی هم در ذیلش بیان کردیم. در «نهج البلاغه» خطبه 131 می‌فرماید:

«... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسِ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ
الْخَطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ
تُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ خُدُودِكَ...»

بار خدایا، تو می دانی، که آن کارها که از ما سر زد، نه برای همچشمی بود و نه رقابت در قدرت و
نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم. بلکه می خواستیم نشانه های دین تو
را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستمدیده ات در امان مانند و آن
حدود که مقرر داشته ای، جاری گردد.

نهج البلاغة (للصباحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/
مصحح: فیض الاسلام، ص 188، خطبة 131 و من کلام له (عليه السلام) و فيه يبين سبب طلبه
الحکم و یصف الإمام الحق

در «صحيح بخاری» است ،می گوید وقتی حضرت امیر (سلام الله عليه) در «بصره» نماز جماعت خواند
صحابه گفتند که این نماز علی:

«ذَكَرْنَا هَذَا الرَّجُلُ صَلَاةً كُنَّا نُصَلِّي بِهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

این نماز ما را به یاد نمازی انداخت که با رسول اکرم می خواندیم!

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 271

مرحوم «كاشف الغطاء رضوان الله تعالى عليه» درباره اینکه خلافت از شئون الهی پیامبر است، می فرماید:

«القرآن المجید هو الأصل في تعيين الحكم و الحاكم و إلزام العمل بحكمه و الرجوع اليه: «يا داؤدُ
إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ». و

هذه الوظيفة هي خلافة الله في أرضه، و إذ قال ربك «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً، ثم قال جل شأنه إلهاماً و خضوعاً و التزاماً بالعمل بحكم ذلك الخليفة: «فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» «خَصْمَانِ بَعِي بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ لَا تُشْطِطْ وَ اهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ-»

قرآن ملاک و اصل است که بواسطه آن تعیین کنیم حکم و حاکم را و الزام عمل به حکم حاکم و رجوع به حکم حاکم را .

(یا داوود ...

«وهذه الوظيفة هي خلافة الله في أرضه»

اینکه (فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ) و ... همه از شئونات «خلافة الله في الارض» است.

«وإذ قال ربك إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ثم قال جل شأنه إلهاماً و خضوعاً و التزاماً بالعمل بحكم ذلك الخليفة»

وقتی خلیفه تعیین کرد خدای عالم، و دستور حکم داد به او : (فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ...؛) که این خلیفه باید طبق این جعل الهی بیاید حکم به حق بکند و از هوای نفس هم دوری کند.

آنگاه مردم را ملزم به اطاعت هم می کند:

(فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ...)

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند..

سوره نساء (4): آیه 65

بعد جریان حضرت «داوود» را می آورد:

«خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكُمُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ»

کتاب : تحرير المجلة؛ نویسنده: الشيخ محمد حسين كاشف الغطاء (وفات: 1373)، چاپخانه:

المطبعة الحيدرية - نجف الأشرف سال چاپ : 1362، ج4، ص81

مرحوم امام همين تعبير را در کتاب «الرسائل» خودشان دارند که بحث‌های عمدتاً اصولی است. ایشان هم می‌گویند:

«يا داود انا جعلناك خليفة في الأرض فاحكم بين الناس بالحق» دل على ان جواز الحكومة بالحق من متفرعات الخلافة وغير الخليفة لا يجوز له الحكم حتى بالحق»

آیه دلالت دارد بر اینکه حکومت کردن فرع بر خلافت است و غیر از خلیفه کسی نمی‌تواند و نباید بین مردم حکومت کند ولو بالحق .

الرسائل(القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد)؛ نویسنده: السيد الخميني (وفات : 1410)، تحقیق: مع تذييلات لمجتبى الطهراني - ربيع الأول 1385، ناشر: مؤسسة اسماعيليان - للطباعة والنشر والتوزيع، ج2، ص101

خدا ان شاء الله بر توفیقات همه عزیزان مان بیافزاید، ان شاء الله همه خوش و سلامت باشند،

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»